

## نقد کتاب زنان خاندان عصر تیموری<sup>۱</sup>

سید هادی ذبیحی<sup>۲</sup>

کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

### چکیده

دوره تیموری اگرچه یکی از دوره‌های مهم تاریخ ایران است، اما به آن کمتر پرداخته شده است. یکی از زمینه‌های تحقیقی مغفول مانده این دوره، بررسی جایگاه و نقش زنان تیموری است. کتاب زنان خاندان عصر تیموری نخستین کتابی است که به این موضوع پرداخته و از این رو درخور تحسین است. با این حال اشکالاتی نیز به آن راه یافته که در این مقاله به آن‌ها اشاره خواهد شد. نقد حاضر در دو بخش تنظیم شده است: الف. بررسی اجمالی فصل‌های کتاب ب. ایرادات کلی کتاب (که شامل ۵ مورد است: ۱. شیوه نادرست استفاده از منابع و مآخذ ۲. غلبه نگاه فمینیستی و تناقض‌گویی ۳. عدم پرداختن به جزئیات ۴. عدم تحلیل و اظهارنظر قطعی ۵. ادعاهای نادرست تاریخی).

**کلیدواژه‌ها:** تیموریان، زنان تیموری، گوهرشاد، کتاب زنان خاندان عصر تیموری.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۴

۲. رایانامه: h.zabihi.64@gmail.com

### مقدمه

دوره تیموری یکی از دوره‌هایی است که در حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران - به ویژه خراسان و ماوراءالنهر - تأثیر زیادی داشته، با این حال آن چنان که باید و شاید به آن پرداخته نشده است. تیموریان از یک سو دارای سنن ترکی - مغولی بودند و از سوی دیگر از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفته بودند؛ این امر ویژگی‌های خاص و ممتازی به این دوره بخشیده است که یکی از آن‌ها، نقش آفرینی چشم‌گیر زنان خاندان سلطنتی در حیات سیاسی و اجتماعی آن دوره است. یکی از سنت‌هایی که تیموریان از مغولان گرفته بودند، «بزرگداشت زنان» بود و این موضوع باعث شد زنان در عرصه اجتماع و سیاست نقش آفرینی کرده و دست به اقدامات تأثیرگذاری بزنند. اگر مقالات و کتاب‌هایی که در زمینه اقدامات گوهرشاد (سرشناس‌ترین زن تیموری) منتشر شده را استشنا کنیم، می‌توان ادعا کرد که کتاب زنان خاندان عصر تیموری نخستین کتابی است که با پرداختن به زندگی و کارنامه زنان تیموری، دریچه‌ای نو بر یکی از موضوعات مهم این دوره گشوده است.

### معرفی کتاب

این کتاب در ۲۰۲ صفحه به قلم خانم دکتر لیلا محمدی (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد ابهر) در سال ۱۳۹۸ ش توسط انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به چاپ رسیده و متکی است بر رساله دکتری ایشان که در سال ۱۳۹۵ ش به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز ارائه شده است. مطالب کتاب در ۶ فصل زیر تنظیم شده است: فصل اول: نگاهی به سیر تحول پایگاه اجتماعی زنان؛ فصل دوم: زنان، ایجاد اتحاد سیاسی (۷۴۷-۸۰۷ هـ)؛ فصل سوم: زنان، مشارکت در سیاست (۸۰۷-۸۵۰ هـ)؛ فصل چهارم: زنان، مداخله در سیاست (۸۵۰-۹۱۲ هـ)؛ فصل پنجم: نهاد خانواده، اجتماع و اقتصاد؛ فصل ششم: نهاد خانواده؛ فرهنگ و مذهب. با نظری کوتاه به فهرست کتاب می‌توان دریافت که در فصل‌های دوم، سوم و چهارم نقش و فعالیت‌های سیاسی زنان خاندان تیموری بررسی شده و در فصل‌های پنجم

و ششم به فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی این زنان پرداخته شده است.

### نقد کتاب

مطالب نوشتار حاضر در دو بخش تنظیم شده است به طوری که ابتدا فصل‌های کتاب به صورت موردی بررسی شده‌اند و بعد از آن به پنج ایراد اصلی که کم و بیش در تمام فصل‌ها به چشم می‌خورد، پرداخته شده است.

پیش از بررسی فصل به فصل کتاب، باید اشاره کرد که نخستین ایراد به عنوان کتاب وارد است؛ زیرا عبارت «زنان خاندان عصر تیموری» به لحاظ دستوری و معنایی، ترکیب نادرستی است و بهتر بود نویسنده یکی از دو عنوان «زنان خاندان تیموری» یا «زنان عصر تیموری» را برای عنوان پژوهش‌اش برمی‌گزید. اما به نظر می‌رسد نویسنده این عنوان را تعمداً برگزیده است تا هم به زنان تیموری بپردازد و هم به زنانی که در آن زمان می‌زیسته‌اند ولی با تیموریان نسبت خانوادگی نداشته‌اند که اگر نویسنده چنین منظوری نیز داشته است باز هم عنوان «زنان عصر تیموری» انتخاب بهتری بود.

### الف) بررسی اجمالی فصل‌های کتاب

#### فصل اول: نگاهی به سیر تحول پایگاه اجتماعی زنان

این فصل شامل بیست صفحه است که هشت صفحه ابتدایی آن هماهنگ با عنوان فصل، نگاهی است به «سیر تحول پایگاه اجتماعی زنان»، ولی دوازده صفحه پایانی آن هیچ ارتباطی با موضوع فصل نداشته و صرفاً معرفی منابع مورد استفاده است. در همان هشت صفحه ابتدایی نیز عمده مطالب، ذیل عنوان «نگاهی کوتاه به جایگاه اجتماعی زنان در غرب و دین اسلام» آمده است که سراسر، کلی‌گویی‌هایی شعاری و زاید همراه با استدلال‌هایی ضعیف است که اشتباهاتی نیز دارد، به عنوان مثال نویسنده زبیده خاتون همسر هارون الرشید - که از زنان اشراف‌زاده عرب بود - و نیز زنان ترک و مغول را جزو زنان ایرانی به حساب آورده است!

از این رو بهتر بود این فصل حذف می‌شد و تنها قسمت دوم آن، که حاوی مطالبی مفیدی پیرامون معرفی منابع مورد استفاده است، ذیل مقدمه می‌آمد.

### نکاتی پیرامون فصل‌های دوم، سوم و چهارم کتاب

در این کتاب نقش‌آفرینی سیاسی زنان تیموری برحسب بازه زمانی به سه دوره تقسیم شده است: دوره اول (فصل دوم کتاب) مربوط به دوره حکمرانی تیمور است که عنوان «زنان، ایجاد اتحاد سیاسی (۷۴۷-۸۰۷هـ)» برای آن انتخاب شده است. فصل بعدی (فصل سوم) «زنان، مشارکت در سیاست (۸۰۷-۸۵۰هـ)» نام دارد و در آن به فعالیت‌های سیاسی شادملک آغا (همسر خلیل سلطان) و گوهرشاد آغا (همسر شاهرخ) پرداخته شده است. در فصل چهارم نیز که «زنان، مداخله در سیاست (۸۵۰-۹۱۲هـ)» نام دارد به فعالیت‌های سیاسی چهار تن از زنان خاندان تیموری پرداخته شده اما عمده فصل به دوران حکمرانی سلطان حسین بایقرا و نقش پررنگ همسر محبوب او خدیجه بیگم در امور سیاسی اختصاص دارد.

این سه فصل را به‌طور کلی می‌توان جزو فصل‌های خوب کتاب به‌شمار آورد، زیرا نویسنده به‌صورت ابتکاری دوره تیموری را برحسب نوع نقش‌آفرینی سیاسی زنان به سه دوره تاریخی تقسیم کرده و هر یک را در فصلی مستقل بررسی کرده است، با این حال دو نکته بسیار مهم در این باره لازم به توضیح است: نکته اول این که اگرچه هر یک از این دسته فعالیت‌های سیاسی در دوره‌ای بنا بر روحیه حاکم وقت پررنگ‌تر بوده است، ولی لزوماً این نوع فعالیت‌ها به همان بازه زمانی که نویسنده در عنوان فصل مشخص کرده است، محدود نمی‌شود. عیب این کار آن است که باعث تحمیل «نظریه تاریخی» به «واقعیات تاریخی» می‌شود و نویسنده برای آن که نظریه‌اش دچار اشکال نشود مجبور می‌شود برخی نمونه‌های تاریخی را ندیده بگیرد یا آن‌ها را آن‌طور که می‌خواهد تعبیر و تفسیر کند. به عنوان مثال اگرچه در دوره حکمرانی تیمور ازدواج‌های سیاسی نقش مهمی در برقراری اتحادهای سیاسی بین او و دیگر قبایل ترک و مغول داشت ولی این ازدواج‌ها و اتحادها منحصر به زمان تیمور نبوده،

بلکه در سراسر دوره تیموری در شکل‌های مختلف صورت گرفته است. نکته دوم این‌که نویسنده دو عبارت «مشارکت سیاسی» و «مداخله سیاسی» را تعریف نکرده و تفاوت این دو را مشخص ننموده است و همین باعث شده کاملاً به صورت سلیقه‌ای نمونه‌هایی برای هرکدام بیاورد. حال اگر فعالیت‌های سیاسی انجام‌شده در راستای اجرای خواسته سلطان را مصداق «مشارکت» و در نقطه مقابل، تلاش در جهت تحقق خواسته شخصی را «مداخله» تعریف کنیم آنگاه آن‌چه در فصل سوم (مشارکت سیاسی) ذیل عنوان «شادملک آغا و مشارکت او در حکومت خلیل سلطان»<sup>۳</sup> آمده است بیشتر مصداق مداخله سیاسی است و آن‌چه در فصل چهارم (مداخله در سیاست) درباره فعالیت‌های فیروزه بیگم آمده است<sup>۴</sup> به مشارکت سیاسی نزدیک‌تر است. در نمونه‌ای دیگر آن‌چه در ذیل عنوان «مرگ تیمور؛ دخالت خواتین در اداره امور»<sup>۵</sup> آمده است، چون فعالیت‌هایی در راستای اجرای وصیت تیمور بوده است نیز بهتر بود عنوان مشارکت برای آن انتخاب می‌شد.

### فصل دوم: زنان، ایجاد اتحاد سیاسی

در این فصل نویسنده تشریح کرده است که تیمور چگونه هوشمندانه از طریق برقراری پیوند ازدواج با قبایل و شخصیت‌های مهم ترک ماوراءالنهر، به تدریج بر جایگاه خود افزود و نیز از راه ازدواج با خاندان مغول، در جهت مشروعیت‌بخشی به حکومت خود برآمد. از نواقص و اشتباهات این فصل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. واژه ترکی «گورکان» به معنای داماد<sup>۱</sup> که تیمور به واسطه ازدواج با دخترانی از خاندان مغول آن را به دست آورده بود و بسیار به آن افتخار می‌کرد. اگرچه چندین بار در این فصل به کار رفته است؛ اما تنها در اواخر فصل به وجه تسمیه آن اشاره می‌شود که بهتر بود این کار در

۳. محمدی، ۵۴.

۴. همو، ۷۷.

۵. همو، ۴۹-۵۰.

همان ابتدای فصل انجام می‌شد.

۲. نام فرزند چنگیزخان، «جغتای» بوده است و نه «جغتایی».<sup>۶</sup>

۳. مطالبی که زیر عنوان فرعی «دوره سلطنت تیمور»<sup>۷</sup> آمده است و شرح لشکرکشی‌های اوست، ارتباطی با عنوان فصل ندارد و بهتر بود در مقدمه می‌آمد. همچنین نویسنده در چند صفحه به موضوع «زنان دودمان تیموری در صحنه‌های نبرد»<sup>۸</sup> پرداخته است که با توجه به این‌که این امر گوشه‌ای از زندگی زنان تیموری محسوب می‌شود، بهتر بود در فصل پنجم (نهاد خانواده، اجتماع و اقتصاد) گنجانده می‌شد.

۴. خان‌زاده «فرزند» جوجی معرفی شده است، در صورتی که وی یکی از «نوادگان» جوجی بوده است.<sup>۹</sup>

۵. در این فصل در چند جا، سرای ملک خانم (همسر اول تیمور) اشتباه معرفی شده است؛ از جمله در جایی این زن «دختر» جغتای معرفی شده<sup>۱۰</sup> در صورتی که وی یکی از «نوادگان» او بوده است. در جایی دیگر، شادملک به عنوان یکی از القاب سرای ملک خانم آمده است،<sup>۱۱</sup> در صورتی که اشتباه است و شادملک، نام یکی دیگر از همسران تیمور بوده است. همچنین در همین صفحه آمده است: «او زنی از تبار جغتای، پسر چنگیزخان، آخرین حاکم قدرتمند دودمان غازان خان بود» که عبارتی مبهم و غلط‌انداز است و آن را باید چنین اصلاح کرد: وی دختر غازان خان، آخرین حاکم قدرتمند از تبار جغتای (فرزند چنگیزخان) بود.

۶. در اواخر فصل آمده است که هنگامی که خان‌زاده در راه شیراز بود برادرش پیرمحمد

۶. محمدی، ۳۰.

۷. همو، ۳۲.

۸. همو، ۴۶.

۹. همو، ۳۶.

۱۰. همو، ۳۸.

۱۱. همو، ۴۰.

به وی پیوست تا مقدمات سفر حج او را فراهم کند؛<sup>۱۲</sup> اما این مرد برادرش نبوده، بلکه فرزند عمرش (فرزند تیمور) بوده است.

### فصل سوم: زنان، مشارکت در سیاست

در این فصل اقدامات دو تن از زنان خاندان تیموری مورد بررسی قرار گرفته است. اولی «شادملک آغا» همسر خلیل سلطان است که پس از مرگ تیمور چند سالی در ماوراءالنهر قدرت را در دست داشت و دومی نیز «گوهرشاد» همسر شاهرخ است که بعد از تیمور، ابتدا در خراسان قدرت داشت و پس از مدتی با کنار زدن خلیل سلطان و دیگر رقبا، زمانی طولانی بر متصرفات تیمور حکمرانی کرد.

بخش نخست این فصل را که به اقدامات شادملک آغا می‌پردازد به جرات می‌توان جزو ضعیف‌ترین بخش‌های این کتاب برشمرد. شادملک آغا که به دلیل عشق پرشور خلیل سلطان به او، بر این سلطان تیموری نفوذ بسیاری داشت در دوران کوتاه سلطنت شوهرش اختیارات بسیاری به دست آورد که از آن در جهت پیشبرد خواسته‌های ناصواب شخصی‌اش بهره برد و از این رو مورخان تیموری بالاتفاق از او به بدی یاد کرده‌اند. اما گویا این امر چندان بر نویسنده کتاب خوش نیامده، زیرا یک‌تنه به جنگ مورخان آن دوره رفته و درصدد توجیه و سفیدنمایی اقدامات این زن برآمده و در این راه از نادیده گرفتن گزارش‌های تاریخی یا شک کردن به آن‌ها تا دست انداختن به دامان مآخذ ضعیف جدید (مانند بهروزی و قانعی) فروگذار نکرده است!

بخش دوم این فصل البته قابل قبول است و نویسنده ضمن تبیین جایگاه خانوادگی گوهرشاد، به مهم‌ترین فعالیت‌های سیاسی او که بخش ابتدایی آن (در زمان حیات شاهرخ) را می‌توان مصداق بارز مشارکت زنان در سیاست در دوره تیموری دانست اشاره کرده است. با این حال در این بخش نیز نویسنده به غلط سعی کرده است که مداخلات آشکار گوهرشاد

در منازعات جانشینی شاهرخ (از طریق حمایت از شاهزادگان موردنظرش) را به شکلی توجیه کرده و عملکرد سیاسی گوهرشاد را سراسر مثبت و سازنده قلمداد کند.

### از دیگر اشکالات فصل:

۱. عبارت «میرانشاه، پسر خلیل سلطان»<sup>۱۳</sup> باید این گونه اصلاح شود: خلیل سلطان فرزند میرانشاه.

۲. در عبارت «خلیل سلطان در عیش و نوش و باده‌گساری اصراف می‌ورزید»<sup>۱۴</sup> بهتر آن است که واژه «افراط» جایگزین اصراف شود (که غلط نگارشی نیز داشته و درست آن اسراف است).

۳. درباره گوهرشاد به درستی آمده است که «از شاهرخ صاحب شش فرزند شد. سه پسرش به نام‌های بایسنقر (د ۸۳۷هـ)، محمدجوکی (د ۸۴۹هـ) و الغبیک (د ۸۵۳هـ) بودند».<sup>۱۵</sup> اما در صفحه بعد نویسنده بدون توجه به این نوشته خود، می‌نویسد: «نخستین فرزند گوهرشاد و شاهرخ، ابراهیم سلطان بود»<sup>۱۶</sup>! در صورتی که ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ از همسر دیگرش به نام طوطی آغا بوده است.<sup>۱۷</sup> او هم چنین ادامه می‌دهد «الغبیک فرزند دیگر شاهرخ به احتمال قوی باید از همسر دیگر شاهرخ آغاسلطان بیگم باشد»<sup>۱۸</sup> که این نیز نادرست و ناقض ادعای قبلی خود نویسنده است!

۴. سال قتل ابوسعید تیموری ۸۳۷هـ ذکر شده است<sup>۱۹</sup> که ۸۷۳هـ درست است.

۱۳. محمدی، ۵۲.

۱۴. همو، ۵۵.

۱۵. همو، ۵۹.

۱۶. همو، ۶۰.

۱۷. سمرقندی، عبدالرزاق، ۲۲۰/۲.

۱۸. محمدی، ۶۰.

۱۹. همو، ۶۷.



۵. در عبارت «شاهرخ گوهرشاد را در این امر بسیار تحسین کرد»<sup>۲۰</sup> به جای «گوهرشاد» باید «آغاییگی» نوشته می‌شد.

#### فصل چهارم: زنان، مداخله در سیاست (۸۵۰-۹۱۲هـ)

مطالب این فصل به فعالیت‌های سیاسی زنان در بازه زمانی مرگ شاهرخ (۸۵۰هـ) تا برافتادن تیموریان (۹۱۲هـ) می‌پردازد. یکی از اشکالات کتاب که در این فصل بیشتر به چشم می‌آید، دوباره‌گویی مطالب تاریخی است. برای مثال آنچه در این فصل ذیل عنوان «اداره امپراتوری تیموری پس از مرگ شاهرخ»<sup>۲۱</sup> آمده است در واقع تکرار همان مطالبی است که در فصل قبل تحت عنوان «پایگاه سیاسی گوهرشاد پس از فوت شاهرخ»<sup>۲۲</sup> آمده بود. البته جای اصلی مطلب در همین فصل است، اما نویسنده به دلیل بار معنایی منفی واژه «مداخله» و این که نخواست به چهره مثبت گوهرشاد خدشه‌ای وارد شود! ترجیح داده است که فعالیت‌های گوهرشاد پس از مرگ شاهرخ را در فصل قبل (مشارکت در سیاست) بررسی کرده و در این جا تنها دوباره به آن اشاره‌ای گذرا بنماید.

زیرعنوان بعدی این فصل «ازدواج‌ها و نقش آن‌ها در مناسبات جانشینان تیمور با دولت‌های همجوار»<sup>۲۳</sup> است که هیچ ارتباطی با عنوان فصل نداشته و بهتر بود در فصل دوم (زنان، ایجاد اتحاد سیاسی) گنجانده می‌شد.

در ادامه فصل، فعالیت‌های سیاسی چهار تن از زنان تیموری که در جهت زمینه‌سازی برای حکومت فرزند یا یکی از بستگان‌شان دست به اقداماتی زده‌اند، بررسی شده است که البته عمده صفحات به خدیجه بیگم، همسر سلطان حسین بایقرا اختصاص دارد. این زن به

۲۰. محمدی، ۶۸.

۲۱. همو، ۶۹.

۲۲. همو، ۶۳.

۲۳. همو، ۷۲.

گواه منابع تاریخی (به ویژه بدایع الوقایع) زنی پرنفوذ بود که به جمع آوری ثروت و امور سرگرم کننده بسیار علاقه داشت.<sup>۲۴</sup> با این حال وی علی رغم قدرت و ثروتی که در اختیار داشت بر خلاف اخلافش (همسران تیمور و شاهرخ) دست به هیچ کار عام المنفعه ای نزد سوی دیگر او تمام تلاش خود را به کار گرفت تا فرزندش مظفر میرزا را پس از سلطان حسین بایقرا بر تخت سلطنت بنشانند و در این راه از هیچ اقدام و دسیسه ای حتی قتل مؤمن میرزا (نوه سلطان حسین که در بین مردم هرات محبوبیت بسیاری داشت) دریغ نکرد.<sup>۲۵</sup> با این وجود، نویسنده به دلیل غلبه نگاه فمینیستی، همه این واقعیات تاریخی را نادیده گرفته و کمر به دفاع از این زن بسته و اقدامات وی که تنها در جهت حفظ منافع خود و فرزندش بوده را در راستای «حفظ امپراتوری تیموری»<sup>۲۶</sup> قلمداد کرده است!

۱. در پایان شرح جنگ بدیع الزمان میرزا با پدرش نوشته شده است: «و سلطان حسین بایقرا نیز حکومت هرات را از وی گرفت»<sup>۲۷</sup> که باید به جای هرات، بلخ نوشته می شد.
۲. در انتهای فصل به اشتباه «تامن آغا»<sup>۲۸</sup> نوشته که تومان آغا صحیح است.

### فصل پنجم: نهاد خانواده، اجتماع و اقتصاد

در این فصل نویسنده تلاش کرده به گوشه هایی از زندگی زنان تیموری و بررسی نقش اقتصادی (موقوفات) آنان بپردازد که به فراخور موضوع، تحلیل های خوبی نیز ارائه داده است؛ از این رو این فصل را می توان جزو فصل های خوب کتاب به حساب آورد، با این حال اشتباهاتی نیز در آن راه یافته (عمدتاً در یک سوم ابتدایی فصل) که به مهم ترین آن ها اشاره

۲۴. واصفی، ۲۳۳/۲، ۲۸۵-۲۸۶.

۲۵. خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ۲۱۴/۴؛ واصفی، ۳۳۴/۲.

۲۶. محمدی، ۸۱.

۲۷. همو، ۷۹.

۲۸. همو، ۸۴.

می‌شود:

۱. در آغاز فصل ادعا شده است که در دوره تیموری، زنان نقش‌های اجتماعی و اقتصادی چشم‌گیری یافتند<sup>۲۹</sup> در صورتی که این اتفاق تنها برای زنان خاندان تیموری - آن هم تا حدودی - افتاد و نه برای زنان عادی.

۲. گاهی در متن، حشو و اضافه‌گویی به چشم می‌خورد. به طور مثال نویسنده در جایی بیش از یک صفحه را به ذکر القاب تشریفاتی زنان دربار تیموری اختصاص داده است؛ بدون آن که نتیجه خاصی بگیرد.<sup>۳۰</sup>

۳. نویسنده به نقل از یکی از مآخذ جدید (بوآ) مطرح می‌کند که در دوره تیموری به تدریج واژه فارسی «خاتون» کنار گذاشته شده و واژه ترکی «خانم» جایگزین آن شد و مدعی می‌شود که این امر ناشی از تأثیرپذیری جامعه تورانی از سنن ایرانی - اسلامی است؛<sup>۳۱</sup> در صورتی که نتیجه منطقی‌ای که از این جانشینی واژگانی می‌توان گرفت دقیقاً عکس نتیجه بالاست.

۴. توضیحات نویسنده درباره دو واژه «خانم» و «بیگم» نارسا و گاه غلط است<sup>۳۲</sup> و این به آن دلیل است که برای تشخیص معنای این واژه‌ها به فرهنگ دهخدا مراجعه کرده است؛ در صورتی که این واژه‌نامه برای این دو واژه ترکی-مغولی منبع دقیقی نیست.<sup>۳۳</sup> از همین رو نویسنده به هیچ وجه معنای این دو واژه را نفهمیده و آن‌ها را «خان من» (خانم) و «بیگ من» (بیگم) معنا کرده است! در صورتی که این دو لقب، از ترکیب دو واژه «خان» و «بیگ» با پسوند مونث‌ساز ترکی «م» به وجود آمده است و از این رو «خانم» به معنای همسر یا دختر

---

۲۹. محمدی، ۸۵.

۳۰. همو، ۹۲-۹۳.

۳۱. همو، ۹۳.

۳۲. همو، ۹۴، ۹۵.

۳۳. در این زمینه بهتر بود به کتاب فرهنگ واژه‌های ترکی و مغولی در متون فارسی مراجعه می‌شد.

خان و «بیگم» نیز به معنای همسر یا دختر بیگ (لقب مردان بلندپایه ترک) بوده است. شاهد این مدعا آن است که واژه خانم تنها برای آن دسته از زنان تیموری به کار رفته است که نسبشان به چنگیزخان مغول می‌رسید.<sup>۳۴</sup> به علاوه به نقل از دهخدا به غلط ادعا شده است که بیگم پسوندی بوده که در پایان نام مردان به کار می‌رفته است؛<sup>۳۵</sup> در صورتی که هرگز این طور نبوده است.

۵. در ذیل بحث درباره معنای لقب «آغا»<sup>۳۶</sup> به این نکته اشاره نشده است که در متون دوره تیموری تفاوتی بین «آغا» و «آقا» نبوده و هر دو واژه به جز در چند مورد محدود همیشه لقبی بوده که برای زنان به کار می‌رفته است.

۶. چاپ مورد استفاده از کتاب تاریخ حبیب‌السیر<sup>۳۷</sup> غلط‌های املائی زیادی دارد که نویسندگان متوجه آن‌ها نشده است و این غلط‌ها در نگارش نام همسران تیمور نیز راه یافته است: «باک سرای» (غلط) ← پاک سرای (صحیح)، «تومن آغا» ← تومان آغا، «بکل خانم» ← تکل خانم، «جلبیان ملک آغا» ← چلبیان ملک آغا، «اوج برور آغا» ← اوج پرور آغا.<sup>۳۸</sup>

۷. آرامگاهی را که خواهر بزرگ تیمور قتلغ ترکان آغا در آن دفن شده است، تیمور نساخته<sup>۳۹</sup> بلکه خود این زن برای دختر مرحومش ساخته که بعدها خودش را نیز در همان جا به خاک سپردند.<sup>۴۰</sup>

---

۳۴. تنها مورد استثنا تومان آقا همسر دوم تیمور (به لحاظ جایگاه) بوده است که اگرچه مغول نبوده اما یکی از القابش «خانم کوچک» بوده است.

۳۵. محمدی، ۹۴.

۳۶. همو، ۹۵.

۳۷. مشخصات کتاب در قسمت کتابشناسی این مقاله آمده است.

۳۸. محمدی، ۹۰.

۳۹. همو، ۱۰۱.

۴۰. سمرقندی، ابوظاهر، ۱۶۵.

۸. «آغا بیگ همسر الغ بیگ» درست نیست؛<sup>۴۱</sup> بلکه نام صحیح همسر الغ بیگ «آکه بیگی» (یا نهایتاً آغا بیگی) بوده است.<sup>۴۲</sup>
۹. امیر کیخسرو ختلائی غلط بوده<sup>۴۳</sup> و درست آن ختلائی است.
۱۰. در عبارت «هنگامی که شاهرخ از حاملگی آغابیگ همسر پسرش الغ بیگ مطلع شد، از او خواست تا به سمرقند نزد وی برود»<sup>۴۴</sup> باید این اصلاحات صورت گیرد: آغابیگ ← آغابیگی و سمرقند ← هرات.
۱۱. در چند مورد به (بارتولد، بی جا) ارجاع داده شده است؛<sup>۴۵</sup> در صورتی که در منابع و مآخذ انتهای کتاب چنین مأخذی نداریم!
۱۲. نویسنده، سنی فاطمه (فاطمه خاتون) همسر امیر چخماق (حاکم یزد) را دختر بایسنقر (پسر شاهرخ) دانسته است؛<sup>۴۶</sup> اما از آن جا که در هیچ یک از منابع دوره تیموری به این نسبت خانوادگی اشاره‌ای نشده، بسیار بعید است که این ادعا درست باشد. به علاوه با توجه به قرائن تاریخی، بایسنقر کوچک‌تر از امیر چخماق بوده است. پس نمی‌توانسته دختری داشته باشد که همسر چخماق باشد.

### فصل ششم: نهاد خانواده؛ فرهنگ و مذهب

این فصل پس از اشاره‌ای که به برخی از زنان هنرمند تیموری دارد به تفصیل به فعالیت‌های زنان تیموری در زمینه ساخت بناهای مذهبی و عام‌المنفعه می‌پردازد که توانسته نمونه‌های زیادی در این زمینه گردآورد. با این حال مشکل اصلی فصل آن است که برای این منظور،

۴۱. محمدی، ۱۰۲، ۱۱۰.

۴۲. حافظ ابرو، بخش دوم، ۴۷۱.

۴۳. محمدی، ۱۰۴.

۴۴. همو، ۱۱۰.

۴۵. همو، ۱۱۲، ۱۱۳.

۴۶. همو، ۱۲۲.

تکیه اصلی نویسنده بر تحقیقات جدید بوده و نه منابع قدیم. به علاوه با خواندن مطالب این فصل، احساس می‌شود که نویسنده، کورکورانه هرچه در این تحقیقات یافته \_ که با موضوع مورد نظرش همخوانی داشته \_ را برداشته و استفاده کرده است بدون این که هیچ احتمال اشتباهی در آن داده باشد. در مجموع، این فصل را می‌توان ضعیف‌ترین فصل کتاب دانست زیرا اغلب اشکالاتی که تاکنون به آن‌ها اشاره شده یا خواهد شد، در این فصل به صورت پررنگ قابل مشاهده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. **عنوان فصل:** در هیچ کجای این فصل «نهاد خانواده» مورد بررسی قرار نگرفته است، از این رو بهتر بود که برای این فصل، عنوانی دیگر (مثلاً «فعالیت‌های فرهنگی زنان دربار تیموری») انتخاب می‌شد.

۲. **غلط‌های چاپی و دستوری فراوان:** برای نمونه «حظیره» به غلط خطیره نوشته شده است<sup>۴۷</sup> و نیز «انفاق» اتفاق<sup>۴۸</sup> و «آفرینش» آفرینش<sup>۴۹</sup>. نثر نیز در بعضی موارد به دلیل اشکالات ویرایشی و دستوری بسیار، درهم‌ریخته و نارسا است.<sup>۵۰</sup>

۳. **استفاده افراطی از مآخذ جدید به جای منابع قدیم** (که در ادامه به آن خواهیم پرداخت).

۴. **پرداختن به مطالب غیرمرتبط و حاشیه‌ای و نپرداختن به موضوع اصلی:** به طور مثال آوردن داستان افسانه‌گونه ساخت مسجد پیرزن<sup>۵۱</sup> و در مقابل عدم اشاره به جزئیات ساخت مدرسه و مسجد (مصلی) گوهرشاد در هرات.

۵. **پرداختن به فعالیت‌های زنان غیر تیموری:** ذیل عنوان «زنان شاعر درباری» به ۱۰

۴۷. محمدی، ۱۴۵.

۴۸. همو، ۱۶۲.

۴۹. همو، ۱۷۵.

۵۰. همو، ۱۳۲، ۱۳۵.

۵۱. همو، ۱۶۴.

زن پرداخته شده است که جز یک نفر (مورد شماره ۳) بقیه هیچ کدام با خاندان تیموری رابطه نسبی یا سببی نداشته‌اند.

۶. گزاره‌های غلط تاریخی (که در ادامه نیز به آن پرداخته خواهد شد): به عنوان مثال حظیره فیروزه بیگم برخلاف آنچه نویسنده ادعا کرده است، توسط این زن ساخته نشده؛<sup>۵۲</sup> بلکه فرزندش سلطان حسین بایقرا پس از مرگ وی برای او ساخته است.<sup>۵۳</sup> در موردی دیگر، نویسنده مدعی است که پس از دوره مغول، خانقاه‌ها به عنوان استحکامات نظامی نیز کاربرد داشته‌اند؛<sup>۵۴</sup> که چنین ادعایی دست کم در دوره تیموری صحت ندارد. ادعای شیعه بودن شاهرخ نیز کاملاً بی پایه است.<sup>۵۵</sup>

#### ۷. اشکالات جزئی فراوان از جمله:

- در این فصل شرح و توصیف چند نقاشی دوره تیموری آمده و به آن‌ها چندین بار ارجاع داده شده است<sup>۵۶</sup> (تصاویر شماره ۵ و ۶) ولی از خود این نقاشی‌ها در کتاب اثری نیست! تنها تصاویر موجود در کتاب، تصویر چند نقشه و بنای تاریخی است که در پیوست پایان کتاب آمده است؛ ولی شماره‌گذاری به هم ریخته‌ای دارد (ش ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲ و ۲۲)!

- ادعای نویسنده مبنی بر این که «تیمور اعضای خاندانش به ویژه همسرانش را برای تأسیس بناها تشویق می‌کرد»<sup>۵۷</sup> صحت ندارد و نویسنده نیز هیچ سند و شاهده‌ای برای این ادعایش ارائه نمی‌کند؛ آنچه از منابع تاریخی برداشت می‌شود این است که ساخت بناهای مختلف از سوی زنان، تنها به دلیل انگیزه‌های شخصی‌شان بوده است.

۵۲. همو، ۱۴۵.

۵۳. خواندمیر، خاتمه خلاصه الاخبار، ۱۹۷.

۵۴. محمدی، ۱۶۲.

۵۵. همو، ۱۶۹.

۵۶. همو، ۱۳۵.

۵۷. همو، ۱۴۳.

- عبارت «موقوفات سلطان حسین بایقرا در حرم حضرت علی (ع) ...»<sup>۵۸</sup> درست نبوده و باید به صورت «موقوفات سلطان حسین بایقرا در مزار شریف ...» اصلاح شود.

## ب) ایرادات کلی کتاب

### ۱. شیوه نادرست در استفاده از منابع و مآخذ

اشکال اساسی و پاشنه آشیل این کتاب را می‌توان استفاده بیش از حد نویسنده از تحقیقات جدید و غفلت وی از منابع تاریخی اصلی دوره تیموری دانست. منابع جدید مورد استفاده نیز (به جز تحقیقات تخصصی در زمینه معماری) اغلب آثاری گمنام و کم‌اعتبارند که تحلیل‌هایشان ضعیف و به دور از واقعیت‌های تاریخی است. به علاوه، نویسنده در استفاده از این منابع و تحقیقات جدید زیاده‌روی کرده است و به جای اشاره‌ای کوتاه یا ارجاع به آن‌ها در پانویس، به نقل کامل مطالبی پرداخته است که غالباً به موضوع بحث ارتباط چندانی نیز ندارند.

یک اصل پذیرفته شده در پژوهش‌های تاریخی این است که پژوهشگر تنها مجاز است «تحلیل‌های تاریخی» را به مآخذ جدید ارجاع دهد اما «وقایع تاریخی» را باید به منابع دست‌اول ارجاع دهد که متأسفانه این اصل بارها توسط نویسنده نقض شده است. برای مثال اگرچه کتاب الغ بیک و زمان وی اثر بارتولد یکی از تحقیقات ارزشمند درباره دوره تیموری است، اما نمی‌توان به عنوان منبع یک واقعه تاریخی به آن ارجاع داد؛ آن‌چنان که نویسنده در چند جا این کار را کرده است برای مثال: «بارتولد در میان سربازان تیمور به زنان مبارزی اشاره می‌کند که ...»<sup>۵۹</sup>.

یکی از دلایل ارجاع بیش از حد نویسنده به منابع جدید را می‌توان عدم تسلط وی به

۵۸. محمدی، ۱۶۴.

۵۹. همو، ۴۷. (نمونه‌های مشابه دیگر: ص ۵۶ ارجاع به بهروزی، ص ۶۴ ← زیباپور، ص ۶۴ ← شانه‌چی، ص ۶۸ ← قانعی، ص ۷۲، ۷۳ ← بارتولد، ص ۸۴ ← مصاحب، ص ۹۶، ۱۰۰ ← لمب، ص ۱۰۶ ← جمال‌زاده).



منابع قدیمی و دست‌اول دانست، به‌عنوان نمونه نویسنده در ص ۶۷ این‌طور نوشته‌است: «مولفان مطلع‌السعدین و حبیب‌السیر اعدام گوهرشاد را بدنامی برای ابوسعید می‌دانستند (Nashat and Beck, 2003, p134)»<sup>۶۰</sup> که نشان می‌دهد نویسنده زحمت دیدن این دو منبع را به خود نداده‌است!

به‌علاوه این عدم تسلط و اشراف باعث شده که وی در بسیاری از موضوعات مربوط به دوره تیموری دیدگاه روشن و مشخصی نداشته باشد و نظرات محققان جدید را بدون نقد و تحلیل بپذیرد.

در استفاده از منابع دست‌اول تاریخی نیز باید در نظر داشت که همه آن‌ها از ارزش یکسانی برخوردار نیستند و پیش از استفاده، باید نقاط ضعف و قوت‌شان را شناخت و آن‌ها را برحسب اهمیت درجه‌بندی کرد. برای مثال سفرنامه کلاویخو (سفیر پادشاه کاستیل به دربار تیمور) یکی از منابع تاریخی دوره تیموری و دربردارنده مشاهدات ارزشمند اوست؛ با این حال اگر کسی این کتاب را با دقت بخواند پی خواهد برد که اطلاعات تاریخی که او ارائه می‌دهد در حقیقت داستان‌ها و افسانه‌های رایج در میان مردم سمرقند بوده‌است و چون این اطلاعات را به‌واسطه مترجم دریافت می‌کرده، اشتباهات دیگری نیز به آن‌ها راه یافته‌است. از این‌رو به‌هیچ‌وجه نمی‌توان به داده‌های تاریخی کلاویخو استناد کرد (مگر آن‌جا که خودش شاهد ماجرای بوده‌است). به‌عنوان یک نمونه، کلاویخو غازان خان را لقب جغتای دانسته<sup>۶۱</sup> در صورتی که غازان خان یکی از نوادگان جغتای بوده‌است.<sup>۶۲</sup>

در زمینه استفاده از منابع، اشکال موردی دیگری نیز وجود دارد و آن این‌که نویسنده در فهرست منابع و مآخذ، نام سه کتاب از خواندمیر را آورده‌است ولی در متن کتاب فقط به نویسنده (خواندمیر) ارجاع داده‌است و از این‌رو مشخص نیست که پانویس مربوطه، به کدام

۶۰. محمدی، ۶۷.

۶۱. کلاویخو، ۲۶۰.

۶۲. نمونه‌های دیگر: محمدی، ۳۹، ۴۵.

یک از این سه کتاب اشاره دارد!

## ۲. غلبه نگاه فمینیستی و تناقض گویی

یکی دیگر از اصولی که هر پژوهشگر تاریخی باید مدنظر قرار دهد «اصل بی طرفی» است؛ به طوری که وی باید تلاش کند در هنگام نگارش اثر خود تا حد امکان ذهنش را از تعصبات ملی، قومی، دینی، جنسیتی و ... خالی نماید که این اصل نیز در این اثر رعایت نشده است. نویسنده در این اثر به صورت ناخودآگاه تمایل به ستایش زنان تیموری داشته و اگرچه در چند جای کتاب به خصوصیات منفی برخی از این زنان اشاره کرده است؛ اما در جاهای دیگر، بسیاری از اشتباهات یا اقدامات منفی شان را توجیه و آنان را تبرئه کرده است<sup>۶۳</sup> که این توجیه بی دلیل خطاها به طور خاص درباره دو تن از این زنان به نام‌های شادملک آغا (همسر خلیل سلطان) و خدیجه بیگم (همسر سلطان حسین بایقرا) به شکلی بسیار آزاردهنده خودنمایی می‌کند.

همچنین دیدگاه طرفدارانه نویسنده نسبت به زنان تیموری موجب بعضی تناقض گویی‌ها در تحلیل‌های وی شده است، به طور مثال نویسنده در چند جا مدعی شده که انگیزه اصلی فعالیت‌های سیاسی زنان خاندان تیموری، تضمین خیر و سعادت و بقای خانواده بوده است؛<sup>۶۴</sup> اما در مقابل به تلاش‌های گوهرشاد برای جلوگیری از ولیعهدی پسرش محمدجوکی (که به گفته منابع تاریخی شاهزاده‌ای خردمند و بزرگ‌منش بود) و به سلطنت رساندن نوه‌اش علاءالدوله (د ۸۶۳هـ) (پسر بایسنقر) می‌پردازد و در انتها نتیجه می‌گیرد که «ظاهراً امر سیاست مانع از انجام وظایف مادری نسبت به فرزندان خود می‌شد»<sup>۶۵</sup> که این کاملاً در تناقض با ادعای قبلی نویسنده است. هم‌چنین در دو مورد ادعا شده است که «زنان

۶۳. محمدی، ۷۶، ۷۹، ۸۳.

۶۴. همو، ۵۱، ۷۹، ۸۲.

۶۵. همو، ۶۱-۶۳.

در مواقع حساس موجب حفظ قلمروی حکومت شده‌اند»<sup>۶۶</sup> که البته برای این مورد نیز می‌توان مثال‌های نقضی یافت از جمله می‌توان به تلاش‌های سیاسی پاینده بیگم در اوایل سلطنت سلطان حسین بایقرا و فعالیت‌های خدیجه بیگم در انتهای سلطنت او - که با دامن‌زدن به اختلافات جانشینی، زمینه‌ساز حمله ازبکان به هرات شد - اشاره کرد.

### ۳. عدم پرداختن به جزئیات

این کتاب به بسیاری از جزئیات مهم پرداخته که نخستین آن‌ها ضبط درست نام زنان تیموری است که به نظر می‌رسد این مورد بر خود نویسنده کتاب نیز پوشیده بوده‌است! برای مثال نام یکی از همسران تیمور (تُگل خانم) طی دو صفحه، سه بار آمده و هر بار نیز به شکلی (تکله، بکل و توگل)<sup>۶۷</sup>!

در مورد موضوع کتاب (زنان تیموری) که اطلاعات و گزارش‌های تاریخی مرتبط با آن زیاد نیست، ما هر چه جزئیات بیشتری بدانیم، به تصویر دقیق‌تری از موضوع می‌رسیم، از این رو بهتر بود نویسنده به مواردی چون شمار و نام همسران سلاطین تیموری نیز اشاره می‌کرد.

به علاوه نویسنده در بررسی اقدامات و فعالیت‌های زنان تیموری، آن‌چنان که مورد انتظار است موشکافی نکرده و وارد جزئیات نشده و از این رو بسیاری از نکات، ناگفته باقی مانده‌است. این مورد به ویژه در آن‌جا که به اقدامات عمرانی این زنان می‌پردازد بیشتر به چشم می‌خورد. برای مثال بهتر بود برای خواننده توضیح داده می‌شد که ملکت آغا و طوطی آغا (دو تن از همسران شاهرخ) که به ترتیب در بلخ و شیراز بناهایی ساخته‌اند به آن دلیل بوده که پسران‌شان حاکم آن دو شهر بوده‌اند و ایشان نیز همراه با آنان در آن‌جا زندگی می‌کرده‌اند. در نمونه‌ای دیگر به مجموعه مصلی در هرات - که شاید بتوان آن را عظیم‌ترین بنای دوره تیموری

۶۶. همو، ۶۸، ۸۱.

۶۷. همو، ۸۹، ۹۰.

دانست. به اختصار پرداخته شده و حتی بسیاری از ارجاعات تاریخی مهم مرتبط با آن نیز نیامده است. همچنین برخی گزارش‌های تاریخی که به نقش فعال زنان تیموری در تربیت شاهزادگان و یا برگزاری جشن‌های دربار اشاره دارد، آورده نشده است.

#### ۴. عدم تحلیل و اظهار نظر قطعی

اگرچه در حوزه علم تاریخ، اظهار نظر قطعی کردن، کار پسندیده‌ای نیست؛ اما در مواردی که از طریق شواهد تاریخی می‌توان به یک اطمینان نسبی رسید، اظهار تردید کردن نه تنها بر اعتبار پژوهشگر نمی‌افزاید، بلکه کاری غلط‌انداز و نابه‌جا است که این مورد نیز در این کتاب وجود دارد که به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

در فصل دوم نویسنده اظهار می‌دارد که «ظاهراً» نه در زمان تیمور و نه جانشینانش هیچ ازدواج سیاسی میان خاندان تیموری و ملل مسیحی یا امپراتوری‌های مسلمان (عثمانی، هند، مصر) صورت نگرفته است.<sup>۶۸</sup> این در حالی است که چنین ازدواجی قطعاً یک رویداد بسیار مهم بوده و اگر رخ می‌داد حتماً در منابع تیموری به آن اشاره می‌شد که اگر اشاره‌ای نشده یعنی وجود نداشته است.

ملکت آغا یکی از زنان دربار تیموری بود که ابتدا با عمر شیخ (پسر تیمور) ازدواج کرد و پس از مرگ او به ازدواج شاهرخ (کوچک‌ترین پسر تیمور) درآمد. نویسنده ابتدا بنا بر چند نقل تاریخی نتیجه می‌گیرد که ملکت آغا تقریباً در همان سالی که شاهرخ به دنیا آمده است با برادر وی عمر شیخ ازدواج کرده است؛ اما کمی جلوتر می‌نویسد که «به نظر می‌رسد» ملکت آغا هنگام ازدواج با شاهرخ از وی مسن‌تر بوده است!<sup>۶۹</sup> در صورتی که قطعاً این گونه بوده است.

در مواردی بسیاری نیز نویسنده آرای مورخان و محققان را در یک موضوع خاص نقل

۶۸. همو، ۴۱.

۶۹. همو، ۱۰۴.

می‌کند بدون آن که نظر خود را ابراز کرده و بیان کند که کدام را می‌پذیرد، برای نمونه آن‌جا که درباره هویت پریزاد<sup>۷۰</sup> یا مذهب گوهرشاد<sup>۷۱</sup> سخن می‌گوید.

## ۵. ادعاهای نادرست تاریخی

در لابه‌لای مطالب کتاب، نویسنده گاه ادعاهای تاریخی‌ای مطرح می‌کند که درست نبوده یا دست‌کم محل بحث‌اند که به تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

در فصل ۵ آمده است: «در جامعه ایران دوره تیموری، نظام خانواده برخلاف دوره سنتی مغولان بر شیوه مادرتباری استوار شد و تجمیع دامادها با خانواده عروس، دلیل بر مادرسالاری این قوم بود».<sup>۷۲</sup> این ادعایی مغلوط و آشفته است و در نقد آن باید گفت که اگرچه تیموریان به نسب مادری نیز اهمیت می‌دادند (به‌ویژه اگر به چنگیزخان می‌رسید) ولی ادعای مادرسالار بودن برای تیموریان ادعایی اغراق‌آمیز است. به علاوه بر فرض اگر این ادعا را نیز بپذیریم، باز هم تعمیم‌دادن آن به کل ایران (جامعه ایران دوره تیموری) کاملاً غلط است.

در آغاز فصل ۶ آمده است: «تیمور و جانشینانش که از نسل مغولان بودند»<sup>۷۳</sup> در صورتی که تیمور هیچ‌گاه ادعا نکرده بود که از نسل مغولان است؛ بلکه برعکس در جهت جبران این کمبود، سعی می‌کرد از طریق ازدواج خود و فرزندان و نوادگانش با خاندان مغول (از نسل چنگیزخان) خود را به ایشان نزدیک کند.

در همان صفحه چند بار تأکید شده است که تیمور و جانشینانش باعث یک «حرکت بزرگ فرهنگی و هنری» شده و یک «رنسانس علمی و هنری» را رقم زدند<sup>۷۴</sup> که البته به این

---

۷۰. محمدی، ۱۶۰.

۷۱. همو، ۱۷۰.

۷۲. همو، ۱۰۳.

۷۳. همو، ۱۳۱.

۷۴. همانجا.

ادعا انتقاداتی وارد است. در این که در دوره تیموری شاهد یک جهش هنری هستیم بین عموم پژوهشگران اتفاق نظر وجود دارد، اما در مورد «فرهنگ» که مقوله‌ای کلی‌تر است چنین اتفاقی وجود ندارد و اگر ما چنین ادعایی داریم باید ابتدا تعریف مان از فرهنگ را ارائه داده و آن‌گاه با بیان مصادیق مختلف، آن را اثبات کنیم. ادعای «رنسانس علمی» برای دوره تیموری نیز اغراق‌آمیز است؛ زیرا تنها حرکت قابل‌اعتنای علمی در دوره تیموری، فعالیت‌هایی بود که تحت حمایت الغ بیک در سمرقند در زمینه نجوم انجام گرفت که به تدوین زیج سلطانی انجامید، اما پس از او ادامه نیافت.

#### نتیجه

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که کتاب زنان خاندان عصر تیموری کتاب یکدستی نیست؛ زیرا در عین تلاشی که برای جامع‌بودن داشته، دقیق و جزئی نیست و علی‌رغم داشتن تحلیل‌های خوب، تحلیل‌های ضعیف زیادی نیز در آن راه یافته‌است. غلبه نگاه فمینیستی نویسنده و تلاش او در جهت مبرا دانستن زنان تیموری از هرگونه نقطه ضعف و خطایی، از اشکالات جدی کتاب است. نتیجه این نگاه، تناقض‌گویی و ارائه تحلیل‌های غلط است که این نگاه جانبدارانه از یک پژوهش در سطح مقطع دکتری بسیار عجیب است!

به‌علاوه علی‌رغم آن‌چه انتظار می‌رود، آن‌جا که کتاب به بحث درباره زندگی و فعالیت‌های زنان می‌پردازد، وارد جزئیات نمی‌شود و آن‌جا که نیاز به ابهام‌زدایی است نویسنده اظهار نظر قطعی نمی‌کند. ارائه تحلیل‌ها و ادعاهای نادرست نیز از دیگر اشکالات کتاب است که همه این موارد را می‌توان نتیجه عدم تسلط نویسنده به منابع تاریخی و نیز موضوع مورد بحث دانست.

برخی اشتباهات راه‌یافته به کتاب را می‌توان در ویراست بعدی کتاب اصلاح کرد ولی اشتباهات کلی و محتوایی آن نیاز به بازنگری داشته و عملاً قابل برطرف شدن نیستند.

در حوزه مطالعات تاریخی زنان، کتاب زن در ایران عهد مغول اثر خانم شیرین بیانی

اگرچه نخستین کتاب در موضوع خود است؛ ولی قطعاً جزو بهترین‌ها نیز هست و تا به امروز پس از گذشت نزدیک به نیم قرن که از تألیف آن می‌گذرد، همواره یکی از مآخذ قابل‌اتکای پژوهشگران حوزه زنان یا تاریخ مغول بوده است. این امر در مورد کتاب زنان خاندان عصر تیموری صدق نمی‌کند و این اثر نه تنها ما را از کتاب‌ها و مقالات بعدی در زمینه زندگی و فعالیت‌های زنان خاندان تیموری بی‌نیاز نمی‌سازد بلکه برعکس، با توجه اشتباهات فراوان راه‌یافته در آن، لازم است که آثار دیگری در این زمینه به چاپ برسد تا نواقص این کتاب را پوشش دهد تا ما بتوانیم به تصویر دقیق‌تر و درست‌تری از زنان تیموری دست یابیم.

### کتابشناسی

- ابن عربشاه، زندگی شگفت‌آور تیمور (ترجمه کتاب عجایب‌المقدور فی اخبار تیمور)، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ش.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، الغ بیک و زمان وی (امپراتوری مغول و دولت چغتائی)، ترجمه حسین احمدی پور، بی‌جا، کتابفروشی چهر، بی‌تا.
- بیانی، شیرین، زن در ایران عصر مغول، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲ ش.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین حسینی، تاریخ حبیب‌السیر، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۲ ش.
- همو، مآثرالملوک (به ضمیمه خلاصه‌الانخبار و قانون همایونی)، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲ ش.
- دولت‌آبادی، عزیز، فرهنگ واژه‌های ترکی و مغولی در متون فارسی، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۸۶ ش.
- سمرقندی، ابوطاهرخواجه، سمریه (قندیه و سمریه دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند)، بی‌جا، موسسه فرهنگی جهانگیری، ۱۳۶۷ ش.
- سمرقندی، عبدالرزاق، مطلع سعدین و مجمع بحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
- کلاویخو، روی گونزالس، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

۱۳۳۷ ش.

محمدی، لیلا، زنان خاندان عصر تیموری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸ ش.

معزالانساب (مجهول المؤلف)، نسخه خطی شماره ۶۷، کتابخانه ملی پاریس.

واصفی، زین‌الدین محمود، بدایع الوقایع، تصحیح الکساندر بلدروف، تهران، بنیاد فرهنگ ایران،

۱۳۵۰ ش.

یزدی، شرف‌الدین علی، ظفرنامه، تصحیح محمد عباسی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، ۱۳۳۶ ش.